

نگرشی بر درو نمایه های پایداری در اشعار گیلکی دفاع مقدس

مریم سادات فیاضی *

معصومه کیانپور **

چکیده

دفاع مقدس، به عنوان حادثه ای تاریخی و اجتماعی بر زندگی، ذهن و زبان مردم ایران تأثیر بسیار گذاشت. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، روح حماسه را در کالبد شعر دمید و باعث تولد شعر پایداری و دفاع مقدس، در ادبیات ایران شد. شاعران گیلکی سرا نیز با تأثیر از حماسه آفرینی ها و در راستای تبیین ارزش های انقلابی، اشعار بومی پایداری را پدید آوردند.

شعر گیلکی در دوره ی جنگ دارای کارکرد انگیزشی، عاطفی و هم دلی بود، اما بعد از پایان جنگ، با ورود کارکردهایی چون زیبایی شناختی ادبی و تأمات شاعرانه وارد دوره جدیدی از حیات خود شد. پژوهش حاضر، باهدف مطالعه ی اشعار پایداری شاعران گیلکی سرای امروز به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که «درون مایه ها و مضامین اصلی شعر دفاع مقدس در اشعار شاعران گیلکی سرا چیست؟». ازاینرو، این نوشتار بر آن است تا با مطالعه اشعار گیلکی پایداری، به چگونگی استفاده از عناصر و تصاویر حماسی در شعر جنگ بپردازد. پیکره ی داده های پژوهش حاضر به روش کتابخانه ای از میان اشعار گیلکی شاعران معاصر گیلان گردآوری شده و سپس در ارتباط با موضوع موردبحث، به توصیف و تحلیل درآمده اند.

نگارندگان در این نوشتار درون مایه اصلی اشعار گیلکی پایداری که مبتنی است بر رسالت قلم بر اساس باورها و اعتقادات مذهبی، آرزوی شهادت، عشق به آب و خاک، مقاومت و دفاع، صحنه های حماسی و خاطرات جنگ را نشان می دهند تا به این مهم برسند که ادبیات بومی مقاومت در گیلان می تواند با ظرفیت های واژگانی و تکیه بر ویژگی های فرهنگ و زبان این خطه، انتقال دهنده ارزش ها، اهداف و آرمان های دوران جنگ باشد و موجب تقویت بنیه روحی و روانی و افزایش سطح اعتقادات معنوی نسل جوان شود.

کلیدواژه ها: دفاع مقدس، شعر گیلکی، پایداری، مقاومت، حماسه.

*استادیار زبان شناسی پژوهشکده گیلان شناسی دانشگاه گیلان

msfayyazi@guilan.ac.ir

**دانشجوی کارشناسی ارشد ایران شناسی دانشگاه گیلان

مقدمه

در تاریخ هر قوم و ملتی، مقاطع بحرانی و سرنوشت سازی چون انقلاب و جنگ وجود دارد که وحدت و مشارکت جامعه در عرصه های فرهنگی و اجتماعی برای گذر موفقیت آمیز آن لازم است. در تاریخ انقلاب اسلامی ایران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران یکی از مهم ترین مراحل تحول انقلاب و عاملی برای وحدت ملی و مذهبی مردم ایران بوده است. ادبیات هر ملت، تحت تأثیر شرایط سیاسی اجتماعی، فرهنگی و دینی شکل می گیرد. همواره شعر از دیرباز تاکنون تجلی گاه اندیشه و آمال انسان بوده و بشر دغدغه ها و آرزومندی هایش را به جان شعر ریخته است. پس از آغاز دفاع مقدس در سال 59 و شکوه حضور و نبرد دلیرانه مردم در این جنگ، ادبیات و شعر فارسی را از منظر معنا دگرگون شد و مفاهیم پایداری، عشق به وطن، شهید و شهادت و ... به آن رنگ دلآوری و عرفانی بخشید.

عشق به وطن، آبخاک و حفظ و پاسداشت آن در مقابل هجوم بیگانگان در جان هر ایرانی میهن پرست ریشه دارد.

سرزمین برای شاعر همه چیز می تواند باشد، محمل خاطرات کودکی، محل عشق و ورزشی های جوانی و آرامگاه سال های سالخوردگی (کاکایی، 65 : 1380).

شعر دفاع مقدس توانست در کنار سایر هنرها پیام رشادت و استقامت مردم ایران را روایت کند و انعکاس دهنده حماسه غیرت مردان و زنان پایدار ایران زمین باشد، چراکه یکی از تأثیراتی که شعر و ادبیات می تواند بر افکار و احساسات مردم در هر دوره بگذارد، پرداختن به مسائل اجتماعی روز آن عصر است. ورود احساسات و عواطف انسان باهدف همراهی قلمی و قلبی با مردم همواره زمینه ساز پیدایش بسیاری از اشعار اجتماعی دوران بحران مانند ادبیات مقاومت، بوده است. شاعران گیلکی سرای گیلان نیز در بازنویسی تاریخ هشت ساله دفاع مقدس، شهادت، میادین رزم و یادکرد کرامات رزمندگان، وصف دلآور یبها، جنگاوری ها، رشادت ها آثار ماندگاری از خود به جا گذاشت هاند و به نوعی پرچم دار شعر پایداری این خطه از ایران شده اند.

این نوشتار بر آن است تا با مطالعه اشعار گیلکی پایداری، به چگونگی استفاده از عناصر و تصاویر حماسی در شعر جنگ بپردازد. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که درون مایه ها و مضامین اصلی شعر دفاع مقدس در اشعار شاعران گیلکی سرا چیست؟ با توجه به پرسش پی شگفته فرضیه پژوهش به این شکل صورت بندی

می شود: «درونمایه اصلی اشعار گیلکی پایداری، رسالت قلم بر اساس باورها و اعتقادات مذهبی، آرزوی شهادت، عشق به آب و خاک، مقاومت و دفاع، صحنه های حماسی و خاطرات جنگ است.»

پیشینه تحقیق

درزمینه ادبیات جنگ، به ویژه شعر فارسی دفاع مقدس آثار فراوانی می توان یافت که به نقد و تحلیل اشعار پایداری پرداخت هاند. درحوزه مقالات تحلیلی و نقد اجتماعی بر اشعار گیلکی پایداری نیز مقالات و یادداشت هایی مشاهده می شود که توسط اداره حفظ آثار و نشر ارزش شهای دفاع مقدس گیلان منتشر شده است. شلیکم کن، پیش از آنکه باروتم نم بکشد، از غلامرضا رحمدل شرفشادهی و به ویرایش اسماعیل محمدپور، یکی از کتاب هایی است که در سال 1389 با حمایت اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس گیلان، توسط انتشارات حرف نو منتشر شده است.

کتاب حاضر که از سه بخش شعر دفاع مقدس، شعر مقاومت فلسطین و لبنان و شعر بومی (گیلکی) مقاومت تشکی ل شده، مشتمل بر مقالاتی پیرامون نقد و آسیب شناسی شعر پایداری است که از آن جمله می توان به ناگهان جنگ، ناگهان شعر / علی پور حسن، پس از غبار / حمیدرضا شکارسری، بسامدهای تلخ / جمشید عباسی شنبه بازاری، نذر دوباره زیتون / فرامرز محمد یپور، نگاهی کوتاه به شعر مقاومت گیلکی / محمد پرچلم، هجوم خطی به حجم زخمی؛ این گویش و شعر ست مکشیده / اسماعیل محمدپور و ... اشاره کرد.

بنیان نظری

سابقه مباحث نظری جدی در خصوص ادبیات مقاومت به جنگ جهانی دوم برمی گردد. پس از جنگ جهانی دوم در اروپا و به ویژه فرانسه، متفکران و هنرمندان تحت تأثیر جنگ و نهضت مقاومت به این برداشت رسیدند که باید در تحولات جامعه شرکت فعال داشته باشند. ژان پل سارتر، یکی از مروجان این عقیده، به التزام و تعهد در هنر قائل بود.

ژان پل سارتر، نویسنده و فیلسوف معاصر فرانسوی می گوید: «نویسنده ملتزم می داند که، سخن همانا عمل است، می داند آشکار کردن، تغییر دادن است و نمی توان آشکار کرد مگر آن که تصمیم بر تغییر دادن گرفت. نویسنده ملتزم، آن رویای ناممکن را از سر به در کرده است که نقش بی طرفی و منفعلی را نسبت به جامعه و از وضع بشری ترسیم کند [...] وظیفه نویسنده است که کاری کند تا هیچ کس از جهان بی اطلاع نماند و نتواند خود را از آن مبرا جلوه دهد. امیل دورکیم نیز معتقد است، افکار انسان فقط نتیجه عقلانیت فردی او نیست؛ بلکه ثمره محیط اجتماعی است که فرد جزئی از آن به شمار می رود. به بیا ندیگر افکار

انسان در عقل جمعی ریشه دارد و عقل جمعی بهقین مفهومی فراتر از عقول مجموع افراد خواهد داشت (روشنفکر و نعمتی، 163 : 1389) از این نظرگاه برخورداری هنر از منشأ جمعی، رسالت آن را نیز به رسالت جمعی تبدیل

می کند تا در خدمت اهداف جامعه قرار گیرد و در جهت تکامل و اصلاح آن گام بردارد. فلسفه التزام در هنر را می توان نقطه مقابل مکتب «هنر برای هنر» دانست که فقط به جنبه های فردی و زیباشناختی آن توجه دارد و غیر از زیبایی رسالت دیگری برای آن قایل نیست (سیدحسینی، 475 : 1371) رومن یاکوبسن 1 می نویسد: «ما هرگز خودبسندهی هنر را باور نداشته ایم و برعکس همیشه تأکید کرده ایم که هنر، پاره ای از واقعیت های اجتماعی است و با دیگر عناصر ارتباط دارد». شعر به عنوان عنصر و پدیده ای، چون تمام عناصر و پدید ههای موجود در جامعه اسلامی- ایرانی سال های دفاع مقدّس، در ارتباط با جنگ قرار گرفت و با آن به تعامل و تأثیر و تأثر پرداخت. این ارتباط دوسویه به ایجاد آثار شعری منجر شد (شکارسری، 1388) 43: آثار ادبی، مدارک اجتماعی و تصویرهایی از واقعیت های اجتماعی هستند که ویژگی های هر دوره زمانی را تثبیت می کنند. شعر اجتماعی، [به ویژه شعر جنگ] شعر جامعه گرا و انسان مدار بر پایه فلسفه تکامل تاریخ است که بیانگر آرمانهای جمعی مردم است و ریشه در حسّ دردمندی اجتماعی و بشری دارد و البته با شاعر، ذاتی و درونی است. شاعر در کارگاه خلاق و بینش شاعرانه و پالایش هنری خود به آفرینش دست می زند تا بیدارگر و ارتقا بخش بینش و ادراک همگان باشد و در این راه، بازتابنده های صادق از زمان خود می گردد (حسن لی، 371 : 1383؛ روزه، 85 : 1386)

تحلیل اشعار پایداری گیلکی

فرهنگ و اعتقادات بومی هر قومی نسبت به فرهنگ و اعتقادات ملی آنها از اهمیت بیشتری برخوردار است، چراکه زبان و فرهنگ ملی هر جامعه ای با زبان و فرهنگ اقوام مختلف آن جامعه ارتباطی تنگاتنگ و محکم دارد.

ادبیات یکی از مظاهر تجلی و یا بهتر است بگوییم اصلی ترین مظهر تجلی همه پارامترهایی است که فرهنگ قومی جوامع را تشکیل می دهد، زبان، آداب و رسوم محلی و اعتقادات مذهبی و اسطوره ای اقوام در بستر ادبیات آنها جاری است و از طریق ادبیات به اعصار بعد منتقل می شود. تکریم ادبیات بومی در واقع به منزله تکریم فرهنگ ملی و رسمی است. (محمدپور 170، : 1389)

اعتقاد به صلح و آرامش و درعین حال مقاومت در هنگام جنگ از مهم ترین ویژگی های یک جامعه اسلامی است که این اعتقاد در قالب اندیشه هایمذهبی و میهن دوستانه، ادبیات پایداری را شکل و قوام می بخشد. در پی تحمیل جنگی نابرابر، هنرمندان به ویژه شاعران مسئول در راستای نشان دادن قدرت های جسمی و

معنوی و پایداری در مقابل تعرض به آب و خاک و جان هم میهنانشان، اندیشه و اعتقاد شاعرانه را با رویکردی اجتماعی به جان شعر ریختند تا قلم اسلحه ای شود برای دفاع از میهن هنگام جنگ و رسالتی باشد برای زنده نگاه داشتن اهداف و آرمانهای پس از پایان آن. با مطالعه تاریخ گیلان درمی یابیم که این خطه در مقاومت و نبرد همواره فعال بوده است. گیلان در وقوع دو جنگ جهانی، انقلاب مشروطه، شکل گیری نهضت جنگل و پس آن مبارزات مردمی در دوران پهلوی و سرانجام هشت سال دفاع مقدس همواره در عرصه های اجتماعی فعال بوده و هیچ گاه از مبارزه و مقاومت دست نکشیده است.

ادبیات بومی مقاومت در گیلان با شعر بومی مقاومت آغاز شد. می توان ادعا کرد پیش از انقلاب، شعر مقاومت با زبان گیلکی به عنوان شعر جریان ساز تولید نشده است. ولی آن چه از مستندات برمی آید، حاکی از آن است که پس از پیروزی انقلاب به خصوص با شروع جنگ تحمیلی، شعر مقاومت و مبارزه با گویش های متنوع بومی در گیلان به صورت پراکنده، توسط شاعران انقلابی تولید شد (همان، 171).

هشت سال دفاع مقدس، ادبیات و فرهنگ تازه ای را شکل داد که از آن می توان با عنوان «ادبیات پایداری و جنگ» یاد کرد.

[در این زمان، وقتی] شعر فارسی به سنگرها رفت، برخی شاعران با استشمام بوی باروت، درد ناشی از بمبارا نها، واقعیت جنگ را در عمل آزمودند و مضمونها، تصاویر بکری از واقعیت های خشن زندگی به آنان الهام کرد (یا حقی، 253: 1374). شعر گیلکی پایداری نیز بر اساس تعهد، اعتقاد و تعلق خاطر شکل گرفت. در این دوره شاعران برجست های در عرصه ادبیات گیلکی پایداری قلم به دست گرفتند و مبانی مقاومت و اندیشه های وطن دوستانه و دینی خود را در شعر وارد کردند. توجه به فرهنگ و زبان گیلکی و واژگان بومی در شعر پایداری گیلکی در راستای ترویج فرهنگ مقاومت و انتقال آرمان های دینی و معنوی و نیز زنده نگاه داشتن این زبان بسیار اهمیت دارد.

شعر دفاع مقدس به مجموعه سروده هایی گفته می شود که درون مایه و موضوع آنها، به مسائل هشت سال جنگ و دفاع مقدس و پیامدها و تبعات آن برگردد، با تکیه بر مقدس بودن که تداعی قلمرو الهی و دینی را بر این نوشته ها و سروده ها می کند. حال این مجموعه هم زمان با جنگ باشد یا پس از آن (سنگری، 1380) 3 / 15: در بیشتر اشعار پایداری گیلکی بیشتر بر محتوا و انتقال مفهوم توجه شده است تا بر سخن آرایبی. نگاه و توجه به زبان روان و ساده، بینش مذهبی و انقلابی و استفاده از واژگانی چون: ابزار و اسلامی جنگی، نا مه های عملیات، وطن، خون، لاله، سرخ، سنگر، شهید و شهادت و ... همواره در راستای توصیف ابعاد جبهه، حس میهن دوستی و آرزوی شهادت داشتن و ... مورد توجه شاعران گیلکی سرا در حوزه پایداری بوده است.

در این مجال به مهم ترین درون مایه ها و مضامین اصلی شعر دفاع مقدّس در اشعار گیلکی پایداری اشاره می کنیم.

وطن دوستی

وطن دوستی در شعر دفاع مقدّس از گسترده ترین ویژگی های شعری است. در جنگ و دفاع، موضوع اقلیم، آب و خاک و وطن همیشه اهمیت داشته است و از عوامل تحریر و تحریک به حساب می آمده و به همین دلیل، وطن دوستی در شعر دفاع مقدّس بسامد زیادی دارد. وطن، از موضوعات مهم اشعار جنگ است که تقریباً تمامی شاعران در قالب های گوناگون به آن پرداخته اند. عشق به میهن، توصیف شکوهمند و با عظمت وطن، سوگ سروده هایی که درباره شهرهای اشغالی و ویران جنگ سروده شده است، دل تنگی برای شهرها و بالاخره دعوت به مبارزه و ایستادگی در مقابل فتنه های دشمن و سرافرازی وطن، از مضمونهای مهم این دسته از اشعار است (شریف پور و حسن ترابی، 163 : 1394) وطن دوستی و حفظ و پاسداری [از آب و خاک] می تواند در شکل گیری و صیانت از هویت افراد یک جامعه کمکی شایان کند. سرزمین و محیط جغرافیایی یکی از مؤلفه های هویت ملی است که به عنوان بستری برای شکل گیری سایر مؤلفه های هویت ملی عمل می کند و سرانجام حس همگرایی ملی را در میان افراد ایجاد می کند. مهم ترین نقش سرزمین در این مقوله، هویت سازی و تداوم بخشیدن به موضوع هویت ملی است (لک، 116 : 1384)

بیشتر شاعران در اشعار دفاع مقدّس، از مضامین حماسی بهره برده اند؛ وطن یکی از مفاهیم قابل توجه در اشعار این حوزه محسوب می شود که در واقع شاعران به وسیله آن، احساسات و عواطف ملی مبنی بر عشق به دین و وطن را به تصویر می کشند و به جان کلام می ریزند تا با رسالت قلم خود وظیفه شان را نسبت به دین و کشور ادا نمایند.

مثال 1: تو بجنگ / تی سرزمین / تی آ بوخاک ره بجنگ / هیزاران پئر و مار جه دس بدا / پابرنده زا که ره بجنگ (سید علی زیباکناری)

برگردان به فارسی: جنگ کن / برای سرزمین ات / برای آ بوخاکت بجنگ / هزاران پدر و مادری که از دست دادند / به خاطر بچه های پابرنه شان بجنگ

مثال 2: تی پیروزی وطن بر خصمه کافر / جی پیل دانه، کوچیکه آرزویه (اسماعیل شاد فومنی) برگردان به فارسی: ای وطن، چیرگی تو بر دشمن بی دین / آرزوی بزرگ و کوچک این دیار است.

عشق به وطن و دفاع از آن در شعر گیلکی همواره با مؤلفه های دینی و شخصیت هایی چون میرزا کوچک پیوند خورده است. در واقع هدف از فراخوانی قهرمانان بومی، زنده نگه داشتن هویت ملی و بومی و آگاهی به

نسل امروز و آینده است. در دو شعر بالا اگرچه زبان ساده و تقریباً فاقد تصاویر نو و شاعرانه است اما شاعر سعی کرده است با استفاده از تداعی های ساده در راستای تهیج مخاطبان خود، از وابستگی ریشه دار به وطن و دفاع از آن بسراید. در این راستا، شاعران عرصه پایداری با به خدمت گرفتن شعر، به عنوان سلاحی کارآمد، به دفاع از سرزمین مادری می پردازند.

مثال 3: وطن تی ماره، نی مار ماده شیره / شکاربانان دس، کویان اسره تی غیرت کو؟ مگه تی نازنین مار / جوان پيله کوه، خانه بیمیره (شیون فو منی)

برگردان به فارسی: وطن مادر توست و مادرت ماده شیری ست / و مادر تو از دست شکارچیان در میان کو هها سرگردان است / غیرتت کجاست مگر مادر عزیز تو / جوان بزرگ کرده است تا در خانه بمیرد.

مثال 4: برار آ خاک، میرزاجاجیگایه / همیشه خنجر و خون روبرایه حواسه خب بنه، می حرفا بیشناو / من و تو یک سریم، دشمن سوايه برگردان به فارسی: ای برادر، این خاک سرزمین میرزا است / همیشه خنجر و خون در این سرزمین روبه راه است / حواست را خوب جمع کن و حرف هایم را بشنو / من و تو یک طرف هستیم و دشمن از ماجد است

توصیف جنگ و پایداری مقابل دشمن

بخش وسیعی از اشعار گیلکی پایداری را، توصیف فضای جبهه و جنگ، نام بردن از ابزار و اسلامی جنگی، نام های عملیات و حس و حال رزمندگان در سنگر و پیکار تشکیل می دهد. واژه هایی که جوش و خروش را در جبهه ها و مظلومیت جنگ زده ها را نشان می دهد. در شعر پایداری گیلکی نیز چون شعر فارسی، با بسامد بالایی از واژه هایی چون جنگ و جهاد، سنگر، کفن، موصل، تفنگ و ... روبرویم.

شعر، صورتی از ادبیات است که تأثیرگذارترین و شاید مانا ترین تصویر از جغرافیای روانی جنگ را ارائه می دهد. عنصر عاطفه، که در شعر جنگ بر دیگر عناصر چیرگی انکارناپذیری دارد، چهره ای را از «جهان جنگ زده»

بازمی تاباند، که شاعرانه است. این چهره ی شاعرانه در زمان جنگ چهره ای است، آشنا که جامعه با آن زندگی می کند. اما هرچه از روزهای جنگ دورتر می شویم، اغراقی که این چهره ها را پوشانده و این لازمه زبان شعر است، خود را بیش تر و بیش تر می نمایاند تا آنجا که به نظر می رسد از کارکرد ارتباطی این شعر به تدریج کاسته شده است... نوشتن خاطرات که امروز تبدیل به یک «گونه» ادبی شده است - «جست

و جوی زمان از دس ترفته « است تا آن را بار دیگر » بیافریند « جس توجویی که بر اهمیت » روزگاری سپر
یشده « شهادت م یدهد و مدعی کوششی است که چهره پیراسته واقعیت را م یخواهد (نادمی، 1384)

معمولاً مشعل ادبیات مقاومت در هر کشوری زمانی شعله ور خواهد شد که پای یک نیروی بیگانه در میان
باشد، بنابراین دشمن نقش ثابت کننده ای در شعر مقاومت بر عهده دارد. شاعر مقاومت، همواره با توصیف
دشمن و بیان جنایات او به طور غیرمستقیم می کوشد تا علاوه بر نشان دادن مظلومیت مردم، حس ادامه
مبارزه را در نیروی خودی به وجود آورد (محمدی،: 1389 167).

مثال : 5 من روخانه لپهم ای کونه پورد /می دما داشتن نتانه تی النگ ای کلاچ هوهو، ا داره لچه سر /!غیرتا
خومه بناماده تورنگ وانبه سرده ایازه دس فارس /دشتگی سرخه گولانه، رنگ رنگ دشمنه پاسا دارم، مرزانه
پوشت /گیله مردم، پوره داتیم می تفنگ (علیرضا صدیق)

برگردان به فارسی :ای پل شکسته، من موج رودخانه ام / و پشت پای تو نمی تواند مانع من شود /ای زاغ
سیاه، از این باغ برو /که اینجا قرقاول ماده بر آشیان غیرت خوابیده است /گل های سرخ رنگارنگ این باغ /
نباید در دسترس باد سرد باشد /من در مقابل دشمن، پشت مرزهای کشورم نگرهبانی می دهم /من گילה
مردم و تفنگم همیشه آماده است.

در شعر زیر شاعر بیان می کند که هرگز در برابر غرور، حيله و تجاوز دشمن تسلیم نخواهد شد و این مبارزه
طلبی راه، ناشی از نور غیرت و ایمان و جایگاه بلند شهیدان می داند:

مثال : 6 اگه دشمنده، اگه ناکسه، هر چی کی ایسه /خوبه اول جلو به باد و گولازا بیگیره

ئی نفر خواسته به میدان دکفه با دیله شیر /دشمنه حال و اونی تخت و جهازا بیگیره

تا شهیدانه جیگا آسمانه لچه گیله /دشمنه کار نیه کی میلیت بازا بیگیره (جمشید عباسی شنبه بازاری)

برگردان به فارسی :اگر دشمن است، اگر ناکس است، هر چه هست /بهتر است اول جلوی غرور و لاف زدندش
را بگیرد /یک نفر لازم بود که بادل شیر به میدان بیاید /تا حال دشمن و تخت و تاجش را بگیرد /تا زمانی
که بلندی آسمان، جایگاه شهیدان است /کار دشمن نیست که باز این ملت را بگیرد.

نام عملیات و ابزار جنگی، مناطق عملیاتی و ... در اشعار دفاع مقدس آشکار است، به این سبب اشعار دفاع
مقدس خود حاوی اطلاعات ارزشمندی در این موارد می باشد. واژگان شعر دفاع مقدس به نوعی روایتگر
حس و حال روزها و شب های پیکار و پایداری است.

مثال 7: خوشه یی بمبه مره، بوکان بسوخت /آسمان روشن نبو، مهران بسوخت جنگ کاره، لاله رنگه، دهلران /بی حواسه، میمکم، دیل ناگران واهنی، ژسه، به دس آماده بون /زندگی میدانه ره، آزاده بون شب چره، پخشانه، جبهه درون /چوم خایه، ایمان و چن تا مشته خون... (هوشنگ اقدامی چمن)

برگردان به فارسی: با بمب خوشه ای بوکان سوخت /مهران به خاطر اینکه آسمانش (وطن)در تاکتیک جنگ وارد نبود، سوخت /کار جنگ است، اگر دهلران به رنگ لاله درآمده است /فراموشی میمک هم دل نگرانی است /باید دوباره تفنگ ژ 3 به دست گرفت و آماده بود /در میدان زندگی، آزاده زندگی کرد /در جبهه که شب چره پخش نم یشود /آنجا نگاه خاص و ایمانی راسخ و چند مشت خون باید داشت...

در طول تاریخ، قلم همواره در راستای ظلم ستیزی و آگاه سازی و تشویق مردم برای دفاع از ارزشها و آزادی نقش مهمی ایفا نموده است. رسالت و تعهد قلم برای نشان دادن ارزش آن در راستای حفظ خون شهید و اهمیت پایداری در شعر گیلکی پررنگ دیده می شود.

مثال 8: مگر به لال بنیشیم؟ وقتی که سوتن امه سهممه /مگه به لال بنیشیم؟ تا پورابی دوشمنه خوندش نه !
شعره ژگره بزت !شعر خون گوتن امه سهممه (...اسماعیل محمدپور، آسمونه گورشابو سینه)

برگردان به فارسی: مگر می شود لال بنشینیم؟ وقتی سوختن حق ماست / مگر می شود لال بنشینیم تا پژواک دشمن در میهن ماست /نه! شعر را فریاد کن! شعر خون، سهم سرودن ماست...

مثال 9: زونه شعر می شی سورخه بو ز خونه شهید /گوتن می کاره، گوتن... داغدارم، آوجا دی (...سید محمود فخر موسوی)

برگردان به فارسی: زبان شعر من از خون شهید سرخ شده است /گفتن کار من است، چون داغدارم، جواب مرا بده...

شهید و شهادت

مضمون شهید و شهادت از پررنگ ترین درون مایه های شعر پایداری گیلکی به شمار می رود. اعتقاد به زنده بودن شهید، آرزوی شهادت، وصف شهادت و مانند آن به وفور در ابعاد مختلف در شعر این خطه مشاهده می شود.

حرکت، پویایی و آرمان خواهی شهیدان، گواه روشنی بر سازندگی ابعاد ارزشمند اجتماع است. در دوره معاصر نیز انقلاب اسلامی که مبنا و مقدمات دفاع مقدس را فراهم کرد، توانست بانگیزه سازندگی جامعه و در قالب معرفی اسلام، شهیدان والامقام را هدایتگر باشد (محدثی خراسانی، 1388، 139)

مثال : 10 تو خسی / امی کوچئه روشنا کونی / و تنها / بی ئی امید پرنده بیی (...!شهاب الدین رهنما)

برگردان یه فارسی : تو م یخواستی / کوچه هایمان را روشن کنی / و تنها / به این خاطر / پرنده شدی...!

یکی از مهم ترین موضوعات ادبیات پایداری، سوگ نامه شهیدان وطن است.

یاد شهیدان در جبهه های جنگ، در اشعار گیلکی نیز به صورت سوگ نامه و سوگواری شهید هنگام تشییع و حس و حال پدران و مادران شهدا، استفاده از نام قهرمانان دینی و مذهبی بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

خانواده های شهدا به عنوان نسلی که انقلاب اسلامی را تجربه کرده اند و اعتقاد و هویتی مذهبی دارند همواره به عنوان همراه و پشتیبان انتخاب رزمندگان برای جنگ در اشعار گیلکی مشاهده می شوند. آخرین وداع با

شهیدان همواره توأم با سوز و داغ و درد است برخی اشعار گیلکی پایداری، به خوبی این حس عمیق پدران و مادران را هنگام پذیرش خبر شهادت و یا تشییع پیکر شهید نشان داده اند که واگویه هایشان، ناشی از داغ فقدان فرزند و خو ندل بزرگ کردنشان است.

مثال : 11 وقتی ز کربلای سورخه میهن / می دومین شهیده مبه بردن بوشوم بدم میانه آه و شیون / سین هزنان عزا گوترن وقتی بوشوم بر سره می نورعین / پارچه جرایتم، چی بدم : یا حسین...

بدم می زاک سر به بدن ندانه / هیچی به جز گورشابو تن ندانه

تی کوره موچی بزمن جونه زاک؟ / از تو فقط زیاد بومه یه موشته خاک

بوتم مو خونه دیل بخوردم پسر / شو کوراجی ته پيله بودم پسر

مصیبه حضرت قاسم بخون / بخون برار می زاک جوون بو جوون (...غلامرضا رحمدل شرفشادهی)

برگردان به فارسی : وقتی از کربلای سرخ وطنم / دومین شهیدم را آوردند /

در میان آه و شیون مردم دیدم / سینه زنها عزا کنان می گریستند /

وقتی کنار پیکر نورعین خودم رسیدم / پارچه از رویش برداشتم، چه

دیدم؟ یا حسین / ...دیدم فرزندم سر بر بدن ندارد / چیزی به جز ی کتن

سوخته ندارد / من کجای تنت را بیوسم پسر جان؟ / از تو یک مشت خاک

باق یمانده است / گفتم برای بزرگ کردنت خو ندل خوردم ای پسر / با

خرده های برنج بزرگت کردم پسر / مصیبت حضرت قاسم را بخوان / بخوان برادر جان، پسر من جوان بود جوان...

به کار بردن نام شهدای غیور گیلان چون «شهید املاکی» در اشعار گیلکی پایداری می تواند به بار بومی بودن شعر در این حوزه بیافزاید:

مثال : 12 همه دونن می مصطفی خاکی بو / بسیجه لشکر املاکی بو

وقتی ئو روزون اونه خاشه باردن / الگوی ایثار و تلاشه باردن

سینه زنون بانگه جرس بدابون / عکس شهیده دس بده دس هدا بون...

مار تی سبزه چشمونه بمیرم / تی او دو ته ستیمونه بمیرم

تا خونه دیله امره پيله بودم / می درده دیله هیچ کسبه نودم (...رحیم زریان)

برگردان به فارسی : همه می دانند مصطفی یک انسان خاکی بود . بسیجی لشکر شهید املاکی بود / وقتی آن روزها، استخوان های او را آوردند / وقتی آن روزها، الگوی ایثار و تلاش را آوردند / سینه زنها فریاد جرس سر دادند / عکس او را دست به دست در بین خود چرخاندند / الهی مادر فدای آن چشم های سبزت بشود / الهی مادر برای آن دو فرزند یتیمت بمیرد / تو را با خو ندل بزرگ کردم / درد دلم را برای کسی نگفتم...

آرزوی شهادت و شفاعت از شهید نیز از دیگر مؤلف ههای شعر پایداری است که در اشعار گیلکی نیز بروز داشته است، شاعران پایداری، شهادت را ارج می گذارند و آن را یک ارزش می دانند . بنابراین ارزشمندی شهادت سبب شده که حسرتِ نرسیدن به شهادت و این فیض و مقام، به عنوان یکی از درون مایه های پررنگ شعر پایداری نمود یابد و حس شهادت طلبی تأثیر زیادی بر اشعار این حوزه بگذارد . شاعر پایداری ضمن آرزوی شهادت در شعرش از شفاعت شهیدان می گوید و از تربت آنها مدد می جوید .

مثال : 13 ده جن وخته مره اوجا ندنه / مره خو دور و بر ده را ندنه

شهادت که یه عومری می رفق بو / یته خنده مره ده پا ندنه (سید علی شفیعی)

برگردان به فارسی : دیگر چند وقتی است که به صدایم پاسخ نمی دهد / مرا به اطراف خود راه نمی دهد / شهادت که یک عمر رفیق من بود / به اندازه خنده ای قبولم نمی کند .

مثال : 14 تو شهیدی، وا امی دستا قیامت بیگیری / امی دورسفتا دیا، آتسه دس واجیگری

امی اومید تویی، تی دم داره الله جه اثر / امی توشکه نیبه وا، الا به تی لطف و نظر (ابراهیم شکری)

برگردان به فارسی : تو شهید هستی، باید دست مان را در قیامت بگیری /

و دل وارفته ما را، از دست آتش برهانی / امید ما تویی، چراکه دم تو، نزد

خداوند اثربخش است / گره کار ما باز نمی شود مگر با نظر لطف تو.

جلوه قداست و مانایی نام شهید در برخی اشعار گیلکی این حوزه، سبب اثرگذاری شعر در راستای انتقال حس ستایش شاعر نسبت به شهید شده است.

مثال : 15 شهیدا ناما آوردن واسی وضو داشتن / ببخش مره ! کی دخاندم تره می شعر میان (مهرداد امید)

برگردان به فارسی : باید هنگام بر زبان آوردن نام شهید وضو داشته باشیم / مرا ببخش که شمارا در این شعر صدا زدم

مثال : 16 اونی بو دو عالمه مستا کونه / گوله همه کس آشنا می شین

کی نیه هیجا فراموش و غریب / خو دوارستنه رایا چاکونه مشک و سیوید

اونه نام ایسه شهید / اونا نام ایسه شهید (هادی سلیمی)

برگردان به فارسی : عطر و بویش دو عالم را مست م ک ند / این گل همه کس آشنای من / که هیچ کجا فراموش شده و غریب نیست / او برای عبور همه جا را پاک و سفید می کند / نامش شهید است / نامش شهید است

مبارزه و پیکار برای رزمندگان در شکل ظاهری بر اساس تکلیف دینی و اجتماعی بود، چراکه اراده آنها در پوسته ظاهری جنگ خلاصه نمی شود، آنها بر اساس توکل و عشق به میهن، دفاع از شرف و ناموس می جنگند و هنگام یکه به دیدار حق می شتابند، رسالت خود را بر دوش تک تک هم وطنان می نهند که پایداری را تا سبز نگاه داشتن وطن ادامه دهند.

مثال : 17 منتی آینههم / شهیدم / !! می سرخه خون و / تی سبزه نیگا جا / هیستم، هیست / سرخی واتاهه / واتابارم / سبزی یا / هرگز (!! محسن آریاپاد)

برگردان به فارسی: من آینه توام / شهیدم / !! با خون سرخ من و / نگاه سبز تو / خیسیم، خیس / سرخی
پاک م ی شود / طاقت می آورم / از بین رفتن سبزی را / هرگز!!

کاربرد عناصر و نگاه بومی

محیط عاملی است که خودبه خود در تکوین فرهنگ مؤثر است، در واقع انسان به طور قابل توجهی زیر سلطه آب و هوا و عوامل طبیعی و جغرافیایی قرار دارد بنابراین منابع طبیعی، شغل و حرفه و فرهنگ بومی و ... عناصری هستند که در افکار و اشعار آنها نیز تأثیر به سزایی دارد.

زبان شعر، زبانی است که با آن چیزی گفته می شود اما از آن طریق، چیزی دیگر خواسته می شود. تفاوت اصلی زبان علم با زبان شعر همین جاست.

در شعر، واژه ها با یافتن جانی تازه، توش و توانی مضاعف می یابند و خود را در معناها و کارکردهای مختلف می گسترند و همین گسترش معنا، در بیشتر اوقات، باعث نوعی ابهام می شود که ابهام هنری گفته می شود (حسن لی، 103: 1383)

در اشعار گیلکی پایداری، در کنار تمام درون مایه های یادشده، اقلیم، مختصات و عناصر بومی و پدیده های طبیعی بسیار مورد توجه قرار گرفته است که این امر ممکن است ناشی از تأثیر طبیعت بر زندگی آنها باشد، اما به رغم گستردگی این پدیده ها در اشعار گیلکی در اغلب موارد، رویکردی مشترک را، در به تصویر کشیدن مضامینی نظیر: دردها و محرومیت های ناشی از پدیده های طبیعی و تأثیر آن بر کسب و کار و گذران زندگی در اشعار شاعران این خطه مشاهده می نماییم.

مثال: 18 تا خونه دیله امره پيله بودم / می درد دیله هیچ کسبه نودم طشت تیمه ارده دبوم سرایته / نشا دبوم بیجار تاکولایه می درده دیل مثله روخونه آبه / می درده دیل یه مثنوی کتابه (رحیم زریان)

برگردان به فارسی: تو را با خون دل بزرگ کردم / در دلم را برای کسی نگفتم / طشت پر از جوانه های برنج را بر سرم می گذاشتم / در حالی که تو را به پشت داشتم، نشاء می کردم / در دل من مثل آب رودخانه، جاری است / درد دل من، به اندازه یک مثنوی کتاب زیاد است.

مثال: 19 تی موشت شا پا، تی دس کوتایه / اگر چی کی تی پوشتی آمریکایه (اسماعیل شاد فومنی)

برگردان به فارسی: مشت تو مثل برنج شفته است و دستت از ما کوتاه / اگرچه پشتیبان تو آمریکا است...

نشان دادن برنج، درد و زخم در شعر پایداری گیلکی وقتی با عناصر بومی چون «بیجار»، «نشاء»، «برنج» ، «کرم ساقه خوار»، «باغ» و مانند آن همراه باشد، نه تنها از عمق عاطفی این نوع شعر نمی کاهد، بلکه

صمیمی دیگرگونه جهت همراهی مخاطب با خود دارد. شماری از سروده های گیلکی این حوزه، سرشار از تعلقت و دغدغه های مردمان این خطه است، زیرا احساسات شاعر با اقلیم او به صورت تنگاتنگی گره خورده است تا او در تحمل این مرارت ها برای پایداری و شجاعت در برابر دشمن تاب بیاورد.

مثال : 20 می پيله بوده تیم بوبو الوخ فک / اندی بنیشته چوهونه درازلک از همه بدته کرمه ساقه خواره /
فترکنه یک دفه می بیجاره برنجه میزونه کونه با ریشه / زیرزیرکی فوقانه خو نیشا (غلامرضا رحمدل
شرفشاهی)

برگردان به فارسی : برنج های سبز من محل لانه شاهین ها شده است / آن قدر که لک لکها بر روی آن
نشسته اند / کرم ساقه خوار از همه بدتر است / به طور ناگهانی به مزرعه من هجوم می آورد / آنقدر برنج را
می خورد که به ریشه برسد...

در اغلب اشعار جنگ، عناصر و پدیده های طبیعی مانند : کوه، دریا، آسمان و ... حضور پررنگی دارند. در شعر
پایداری گیلکی نیز، به دلیل وابستگی اقلیمی شاعران، عناصر طبیعی بسیاری دیده می شوند. در
تصویرسازی، برخی واژگان چون : گل، لاله، سرخ، نماینده و سمبل شهید و شهادت هستند و دشت، جنگل و
باغ، اشاره به کشور دارند.

مثال : 21 مو نا میرزام، د سردارم / درم دامون، آزا دارم توفنگ می دوش، بهاری مو / چراغه گیل زنه سو
شرم دارم لای تاک / پيله دریا تکای تاکم گیل زاکم، گيله زاکم / اوهوی دوشمن، مو بی باکم

برگردان به فارسی : من هم میرزا کوچک هستم و سر دارم / در میان جنگل

هستم و مانند درخت آزاد / تفنگ بر دوش من، سرسبز و بهاری هستم / چراغ گیلان من هنوز روشنی دارد /
درخت آتش گرفته «شرم» هستم / تکیه گاهم دریای هستی است / من فرزند گیلانم، من فرزند گیلانم / ای
دشمن ! من دلیر و بی باک هستم.

مثال : 22 ندینی رچ به رچ ئی سورخه دشته، لاله بکاشتیم؟ / چوطو خائی دمچی؟ / ریه به ریه وطن، امه
سهمه (... اسماعیل محمدپور)

برگردان به فارسی : نمی بینی که ردیف به ردیف در این دشت لاله سرخ کاشتیم؟ / چگونه می خواهی آن ها
را لگدمال کنی؟ قدم به قدم، این وطن سهم ماست.

در اشعار گیلکی پایداری، ذکر نام مکان های خاص در این خطه نیز، در کنار عناصر پایداری، شعر را بومی تر
کرده است:

مثال : 23 تی واستی ماسوله غم به کول ببو / کسماء سر بکنده مرغا مانستی / تی اون توکه توکه خون بوتوکسته / یخ بزه کویانه سر / ساله دیگر ا بهاره آب بوبوست (... هادی سلیمی)

برگردان به فارسی : به خاطر تو ماسوله غمناک شد / کسماء مثل مرغ پرکنده شد / قطره قطره خون تو چکید / بر روی کوه های خزده / و برای بهار سال دیگر آب فراهم کرد...

شعر دفاع مقدّس آینه تمام نمای هشت سال جنگ و پایداری است که ایثار، حماسه، شهادت طلبی، وطن دوستی، غیرت، خلوص رزمندگان و شهیدان را به تصویر می کشد و الگویی را برای حال و آینده فراهم می دارد.

شعر گیلکی نیز در این حوزه، تلاش می کند تا این الگوها را به صورت نمادین و ماندگار نشان داده و عناصر و اندیشه های جنگ و مقاومت را با آداب و فرهنگ و سنن اجتماعی و اعتقادی ملی و بومی به تصویر بکشد.

نتیجه گیری

شاعران گیلانی، به ویژه شاعران گیلکی سرا در دوران پس از دفاع مقدّس، اشعار ماندگاری خلق کردند که به نوعی بازخوانی تاریخ هشت ساله جنگ است. با مطالعه اشعار گیلکی پایداری می توان دریافت که شاعران این حوزه با زوایای دید شاعرانه و تنوع قالب، دریچه تازه ای را به نام ادبیات پایداری بومی گشودند. درون مایه های اصلی شعر پایداری گیلکی حول محور موضوعاتی چون : وطن دوستی، توصیف جنگ و پایداری در برابر دشمن، شهید و شهادت و در بسیار موارد با حضور پررنگ عناصر بومی و اقلیمی گیلان م یچرخد. برخی از اشعار، روایتگر دفاع از میهن و پیکار در میدان جنگ هستند و برخی، از جایگاه شهید و قداست نام او و شفاعتش حکایت می کنند. شاعران گیلکی سرا با سرودن اشعار حماسی و پایداری سعی در برانگیختن مردم و زنده نگاه داشتن ارزشهای دینی و معنوی دارند. اشعار پایداری توانست در روزهای جنگ، بسیاری از مردم را عاشقانه به جبهه ها بکشاند و پس از جنگ نیز، انتقال دهنده ی ارزشها، اهداف و آرما نهایی دوران جنگ باشد. اگرچه تعبیر شاعرانه و بسامد واژگان جنگ و پایداری در اشعار گیلکی ستودنی است و باعث ارتباط و همراهی مخاطب می شود، اما تحوّل در حوزه زبان و زیبایی های ادبی نیز در شعر امروز ضرورت دارد. شعر دفاع مقدّس گیلکی این توانایی را داراست که در حوزه محتوا، زبان و زیباشناسی، به نوآوری فکر کند و از مستقیم گویی و شعارسرایی بپرهیزد تا بتواند با رویکرد زبانی و جوهری نو و مؤلفه هایی جوششی تر و عمیق تر، آرما نهایی جنگ، اندیشه ها، اعتقادات رزمندگان، شهدا و ایثارگران را بازتاب دهد و از این طریق موجب تقویت بنیه روحی و روانی و افزایش سطح اعتقادات معنوی نسل جوان شود و روح حماسه و ایثار، بیگانه ستیزی، وطن دوستی، خودباوری و ... را زنده نگاه دارد و جانی تازه ببخشد. ادبیات گیلکی پایداری، این توانایی بالقوه را داراست که ابزاری کاربردی و مؤثر برای به تصویر کشیدن اندیشه های معنوی و ایده آل

های فرهنگی جامع ه بوده و بر اذهان افشار مختلف جامعه در راستای حفظ ارزشهای دینی و معنوی تأثیرگذار باشد و حتی نقش مهمی نیز در ماندگاری زبان گیلکی ایفا نماید.

پی نوشت

Roman Jakobson-1

منابع

- 1-حسنلی، کاووس، 1383گونه های نوآوری در شعر معاصر ایران، تهران، نشر ثالث، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- 2-دیچرز، دیوید 1369 شیوه های نقد ادبی، چاپ دوم، ترجمه محمدتقی (امیر) صدقیانی و غلامحسین یوسفی، تهران، انتشارات علمی.
- 3-روزبه، محمدرضا، 1386 ادبیات معاصر ایران (شعر)، چاپ سوم، تهران، نشر روزگار.
- 4-روشنفکر، کبری و نعمتی قزوینی، معصومه، 1389 مبانی نقد اجتماعی در ادبیات، دانشنامه علوم اجتماعی، دوره 1، شماره 4، زمستان. 1389
- 5-سیدحسینی، رضا، 1371 مکتبهای ادبی جلد 1، چاپ 10، تهران، نشر نگاه.
- 6-سنگری، محمدرضا، 1380 نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، تهران، نشر پالیزان.
- 7-شریف پور، عنای تالله و حسن ترابی، علی، 1394 وطن گرایی در شعر دفاع مقدس»، (نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان)، سال هفتم، شماره سیزدهم، پاییز و زمستان. 1394
- 8-شکارسری، حمیدرضا، 1389 پس از غبار، شلیکم کن پیش از آنکه باروتم نم بکشد (مجموعه مقالات تحلیلی پایداری)، غلامرضا رحمدل شرفشادهی، به انتخاب: اسماعیل محم دپور، رشت، نشر حرف نو.
- 9-کاکایی، عبدالجبار، 1380 بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، تهران، نشر پالیزان.
- 10-لک، منوچهر، 1384 هویت ملی در شعر دفاع مقدس، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره 2.
- 11-محدثی خراسانی، زهرا، 1388 شعر آیینی و تأثیر انقلاب بر آن، تهران، نشر مجتمع فرهنگی عاشورا.

- 12-محمدپور، اسماعیل، « () ، 1386)ئی باغه سورخه گولان (یادنامه نخستین جشنواره ادبیات بومی مقاومت »)، چاپ اول، رشت، کتیبه گیل.
- 13-محمدپور، اسماعیل، « () ، 1389)شلیکم کن، قبل از آنکه باروتم نم بکشد» ، مجموعه مقالات تحلیلی مقاومت)، رشت، انتشارات حرف نو.
- 14-محمدپور، اسماعیل، ، 1385)آسمونه گورشابو سینه ، رشت، انتشارات حرف نو.
- 15-محمدی، محبوبه، 1389)قسم به نخل قسم به زیتون ، تهران، نشر ارزش های دفاع مقدس.
- 16-نادمی، سیداحمد، ، 1384)آن روز شعر لباس جنگ برتن داشت ، روزنامه همشهری، 31 شهریور 1384
- 17-یاحقی، محمدجعفر، 1378)چون سبوی تشنه تاریخ ادبیات معاصر فارسی تهران، انتشارات جامی.